

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۸ می ۲۰۲۱

انتشار یک نوار حیثیت نداشته جمهوری اسلامی را بر باد داد!

افشای نوار مصاحبه محمدجواد ظریف رئیس دیپلماسی – تروریستی جمهوری اسلامی ایران، حیثیت نداشته جمهوری اسلامی را بر باد داد. ظریف در این نوار خود، به برخی جوانب سیاست‌های حکومت‌شان در عرصه روابط خارجی انتقاد کرده است به ویژه به نقش رفیقش قاسم سلیمانی فرمانده کشته شده سپاه تروریستی قدس. اما آن واقعیتی که ظریف به زبان نیاورده نقش خود در راس دیپلمات – تروریست‌های حکومت‌شان است که او مستقیماً مسئولیت آن‌ها را به عهده دارد. تروریست‌هایی که در لباس دیپلماسی به خارج کشور فرستاده می‌شوند اما وظیفه اصلی‌شان جاسوسی از مخالفین و ترور، جاسوسی از مراکز هسته‌ای و نظامی کشورهای مختلف، پول‌شوئی، قاچاق اسلحه، مواد مخدر و ... است همچون اسدالله اسدی دیپلمات جمهوری اسلامی که به دلیل فعالیت‌های تروریستی بر سر جرم جرم دستگیر شده و توسط دادگاهی در بلژیک به ۲۰ سال زندان محکوم شده است.

پس از بحث و جنجال درباره فایل صوتی ظریف، خامنه‌ای نیز در این مورد اظهار نظر کرد. علی خامنه‌ای بدون نام بردن از محمدجواد ظریف وزیر خارجه، از فایل صوتی و اظهارات او درباره قاسم سلیمانی انتقاد کرد و گفت: «این حرف‌ها تکرار حرف‌های خصمانه دشمنان ما و امریکا است.»

خامنه‌ای روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت در یک سخنرانی که از شبکه حکومتی خبر صداوسیما پخش شد، با دفاع از نیروی قدس سپاه پاسداران و عملکرد فرمانده سابق آن، قاسم سلیمانی، ادعا کرد که «نیروی قدس بزرگترین عامل موثر در جلوگیری از دیپلماسی منفعل در غرب آسیاست.» او گفت: «شنیدیم که رسانه‌های دشمن و مخالف جمهوری اسلامی هم پخش کرده‌اند. انسان متأسف می‌شود وقتی این‌ها را می‌شنود.»

او با بیان این‌که نیروی قدس «سیاست‌مدار عزت‌مدار جمهوری اسلامی را تحقق بخشیده است»، گفت: «برخی از این حرف‌ها تکرار حرف‌های امریکا است. امریکائی‌ها سال‌هاست از نفوذ جمهوری اسلامی به شدت ناراحت هستند. از شهید سلیمانی به خاطر این ناراحت بودند و به این خاطر ایشان را به شهادت رساندند.» خامنه‌ای افزود: «ما نباید حرفی بزنیم که این معنا را تداعی کند که داریم حرف آن‌ها را تکرار می‌کنیم چه در باره نیروی قدس چه شخص شهید سلیمانی.»

به ادعای خامنه‌ای، «سیاست خارجی در هیچ جای دنیا در وزارت خارجه تعیین نمی‌شود. در همه جای دنیا مربوط به مجامع بالادستی و مسئولین عالی‌رتبه هستند که تعیین می‌کنند. البته وزارت خارجه هم مشارکت دارد. اما مجری است.» خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان روز یکشنبه خود، از توسعه رابطه با چین و روسیه دفاع کرد و کشورهای غربی را متهم کرد که به گفته او، «اصرار دارند سیاست خارجی ایران زیر پرچم آن‌ها باشد.»

ظریف پس از سخنان خامنه‌ای به دست و پا افتاده و از خامنه‌ای تقاضای بخشش کرد. او در صفحه اینستاگرامش نوشت: بیانات مشفقانه مقام معظم رهبری همچون همیشه برای من و همکارانم ختم کلام و نقطه پایانی برای بحث‌های کارشناسی است. به عنوان یک کارگزار و پژوهشگر روابط خارجی، همواره باور داشته‌ام برای قوام این مرز و بوم خدائی، سیاست خارجی باید موضوع وفاق و انسجام ملی باشد و از بالاترین سطح مدیریت و هدایت شود و بر این اساس پیروی از نظرات و تصمیمات رهبری ضرورتی غیرقابل انکار برای سیاست خارجی است.

بسیار متأسفم که برخی نقطه نظرات شخصی که صرفاً برای انتقال صادقانه تجربیات و بدون قصدی برای انتشار بیان شده بود، دزدانه منتشر و به صورت گزینشی مورد بهره‌برداری و دستمایه خصومت‌ورزی بدخواهان کشور و مردم و انقلاب گردید و اسباب تکدر خاطر شریف مقام معظم رهبری را فراهم آورد.

امیدوارم به یاری خدا اینجانب و همکارانم بتوانیم در کنار دیگر خدمتگزاران در اجرای بی‌کم و کاست منویات مقام معظم رهبری برای پیشرفت ایران عزیزمان یکدل و یکصدا کوشا باشیم.

موضوع انتشار فایل صوتی مصاحبه «محمدجواد ظریف» وزیر خارجه جمهوری اسلامی با «سعید لیلانز»، روزنامه‌نگار و اقتصاددان دولتی که برای دفتر پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری ضبط شده است و گفته می‌شد قرار نبوده علنی شود، بار دیگر بازتر شدن حفره‌های امنیتی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت و هم به یک بحران جدید درونی و بیرونی حکومت منجر شد.

البته برخی نیز بر این باورند که علنی کردن این نوار یک نوع بازار گرمی به نمایش انتخابانت مسخره ریاست جمهوری اسلامی است.



یکشنبه ۲۵ آوریل ۲۰۲۱-۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ در آستانه برگزاری دور سوم مذاکرات وین برای احیای برجام یک فایل صوتی ۱۹۰ دقیقه‌ای از گفت‌وگوی سعید لیلانز با ظریف منتشر شد. چکیده آنچه که ظریف می‌گوید این است که در ایران نیازها و الزامات میدان جنگ و به تعبیر روشن‌تر سپاه پاسداران بر دیپلماسی و منافع ملی تسلط دارد. افشای صوت ظریف سبب واکنش‌های بسیاری در داخل ایران و خارج کشور به ویژه آمریکا شده است. مصاحبه سعید لیلانز با ظریف در چارچوب مصاحبه‌ها با سایر وزیران دولت روحانی زیر نظر محمود واعظی، رئیس دفتر و حسام‌الدین آشنا، مشاور رسانه‌ای روحانی در باغ کتاب تهران انجام شده است. این مصاحبه هفت ساعت است اما فقط بخشی از آن افشا شد و در اختیار گروهی از فعالان مدنی در داخل و خارج از کشور قرار گرفت.

با «درز» یا به قول شیخ حسن روحانی «سرقت» نوار مصاحبه ظریف، امواجی راه افتاده و معلوم نیست نتیجه نهائی چنین اتفاق هائی به کام منتشرکنندگان باشد اما فعلا دولت یکی از مهمترین پشتوانه‌های تبلیغی‌اش یعنی حسام‌الدین آشنا را از دست داده است.

در برخی خبرها آمده است که نیروهای سازمان اطلاعات سپاه به صورت هم‌زمان به دفاتر «حسن روحانی» در ساختمان ریاست جمهوری در خیابان «پاستور» و دفتر محمدجواد ظریف در وزارت امور خارجه رفته و پس از درگیری کوتاه با یگان‌های حفاظتی، دفاتر ریاست جمهوری و وزیر امور خارجه را بررسی و برخی اسناد و مدارک موجود را ضبط کرده و با خود برده‌اند. این در حالی است که پیش‌تر «علی ربیعی»، سخنگوی دولت و رئیس جدید مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری از پیگیری وزارت اطلاعات، یعنی نهاد امنیتی دولت و رقیب سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره یافتن عاملان انتشار فایل صوتی ظریف خبر داده بود.

شیخ حسن روحانی، رئیس‌جمهور در جلسه هیات دولت تاکید کرد که وزارت اطلاعات ایران مسؤول رسیدگی به این موضوع و پیدا کردن مسببان «سرقت» فایل است.

روحانی با اشاره به تلاش برای ایجاد اختلاف داخلی مدعی هدف از سرقت فایل این بوده که با ایجاد اختلاف داخلی نگذارند تحریم‌ها برداشته شود: «کسانی که ضد ایران و مردم و مصالح ایران هستند این نوار را منتشر کردند.» فایل صوتی سه‌ساعته از اظهارات ظریف در این مصاحبه که نخستین‌بار روز یکشنبه پنجم اردیبهشت ۱۴۰۰ منتشر شد، ظاهراً بخشی از یک گفت‌وگو با سعید لیلاز، روزنامه‌نگار و اقتصاددان حامی دولت است که قرار بوده پس از پایان کار دولت حسن روحانی منتشر شود.

صبح روز پنج‌شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۰ دولت از استعفای «حسام‌الدین آشنا»، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهوری و مدیر مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری و جانشینی علی ربیعی خبر داد. اما خبرهائی مبنی بر برکناری و احتمال دستگیری آشنا نیز منتشر شده است. برخی معتقدند وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در دستگیری حسام‌الدین آشنا پیش‌دستی کرده تا مشاور رسانه‌ای آن به دست اطلاعات سپاه پاسداران نیفتد.

خبرگزاری «ایسنا»، به نقل از یک منبع مطلع در قوه قضائیه از ممنوع‌الخروجی ۱۵ نفر به خاطر افشای فایل صوتی این مصاحبه خبر داده است.

گمانه‌زنی‌هائی نیز مبنی بر استیضاح محمدجواد ظریف نیز مطرح شده است. ظریف در فایل صوتی افشا شده، از رابطه سپاه و دولت، اطلاعاتی درباره سپاه، اختلافات میان وزیر امور خارجه و «قاسم سلیمانی»، فرمانده سابق نیروی «قدس» سپاه پاسداران که ترور شد و همچنین اطلاع دولت از شلیک موشک‌های سپاه به هواپیمای اوکراینی پرده برداشته و در رابطه با روسیه و آمریکا نیز مسائلی مطرح شده است.

سعید لیلاز، روزنامه‌نگار و اقتصاددان طرفدار دولت، ضبط تلویزیونی خود را با این عبارت شروع می‌کند: «تقریباً لحظه ظهر روز ششم اسفند ۱۳۹۹ در ادامه سلسله برنامه‌های تاریخ شفاهی دولت تدبیر و امید در خدمت شاید مهمترین عضو کابینه حسن روحانی، یعنی دکتر محمدجواد ظریف...». گوینده عنوان برنامه را «آن‌سوی دولت» معرفی و می‌گوید نمی‌تواند تصور کند کسی بیش از محمدجواد ظریف از «آن‌سوی دولت» دانش و اطلاع داشته باشد و از او می‌خواهد کمی از «آن‌سوی دولت» که «شاید ۹۹ درصد آن را مردم هرگز نشنیده‌اند» آشکار کند. با این مقدمه، مشخص است که ظریف دست‌کم بخشی از ناگفته‌ها را خواهد گفت.

ظریف در همان ابتدای سخنانش اذعان می‌کند که در دنیای امروز نمی‌توان حرفی زد که مردم از آن مطلع نشوند. از نحوه کلام مصاحبه‌کننده مشخص است که برنامه برای پخش، ضبط می‌شود، ولی تنها چیزی که پس از آن اتفاق می‌افتد،

پخش پیش از موعد فایل صوتی بخشی از آن برنامه است. ظاهراً، اصل برنامه حدود هفت ساعت است ولی مشخص نیست چرا فقط حدود سه و ساعت و نیم آن پخش شده است. بین زمان ضبط و درز فایل صوتی، حدود دو ماه فاصله وجود دارد.

در بخشی که منتشر شده است، احتمال نامزدی ظریف برای ریاست‌جمهوری مطرح می‌شود و علت لو رفتن نوار نیز می‌تواند با همین احتمال، رابطه مستقیم داشته باشد؛ یعنی کسی یا کسانی یا بخشی از حاکمیت نمی‌خواسته‌اند نام ظریف حتی به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری آینده ایران مطرح شود و با افشای محتوای بخشی از آن، امکان نامزدی ظریف را منتفی کردند.

گفت‌وگوهای طولانی محمدجواد ظریف بی‌سابقه نیست. سال‌ها پیش محمدمهدی راجی، حاصل ۴۰ سال گفت‌وگو با محمدجواد ظریف را در یک کتاب ۳۶۸ صفحه‌ای با نام «آقای سفیر» (نشر نی ۱۳۹۲) منتشر کرد؛ بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که این مدرک فقط برای ثبت در تاریخ شفاهی بوده است و تهیه‌کنندگان قصد انتشار آن را نداشته‌اند. هرچند در دقیقه ۱۴ فایل گفته می‌شود که این مصاحبه بعد از دولت آقای روحانی منتشر خواهد شد ولی محتوای فایل صوتی به خوبی نشان می‌دهد که بخش‌هایی از آن به سادگی می‌توانسته است برای تبلیغات انتخاباتی هم استفاده شود.

ظریف مانند اغلب عناصر و عوامل جمهوری اسلامی، بیش از هر چیز خود را فردی با اعتقادات عمیق اسلامی معرفی می‌کند و هیچ فرصتی برای نشان دادن اعتقاد و التزام خود به اسلام را هم از دست نمی‌دهد. این را در کتاب «آقای سفیر» هم می‌توان دید که در آن مدعی است در طول دوران تحصیل در امریکا فقط یک بار به همراه دوستان به دعوت معلم دبیرستان به خانه آن معلم رفته و یک بار هم «برای نهار میهمان یکی از استادان دانشگاه» بوده است. نزد معلم دبیرستان «فقط سالاد» و در خانه استاد دانشگاه نیز «چون به فرهنگ اسلامی آشنائی داشت، مقداری پنیر» خورده است. ظاهراً وی به سایر غذاها دست نزده است چون، «ذبح شرعی نشده بودند». (آقای سفیر صفحه ۴۸).

ظریف در مصاحبه با سعید لیلان نیز علت «علاقه‌مندی مردم» به خودش را «از لطف خدا» می‌داند و به دفعات از رابطه خوب با آیت‌الله خامنه‌ای سخن می‌گوید.

ظریف از خامنه‌ای انتقادی نمی‌کند یا نمی‌گوید که مداخلات قاسم سلیمانی در روابط خارجی ایران، اوضاع را بهتر یا بدتر کرده است. فقط گله می‌کند که چرا خود او در جریان امور قرار نگرفته است.

ظریف به دفعات از مداخله «میدان» در سیاست یاد می‌کند. گرچه او قاسم سلیمانی را رقیب خود نمی‌داند و در مورد نتایج کارهای سلیمانی ارزیابی دقیقی ندارد. او، از محدوده «آن‌گونه که هست» خارج نمی‌شود و پیشنهادی در مورد «آن‌گونه که باید باشد» ندارد. می‌توان گفت در مورد رهبر، ظریف حتی به ارزیابی آن‌گونه که هست هم نمی‌پردازد. به نظر می‌رسد که «رهبری»، خط قرمز ظریف است و او با یک استثنا که کمی پائین‌تر توضیح خواهیم داد، به وادی رهبر وارد نمی‌شود؛ مگر به تعریف و تمجید.

ظریف در بخش دیگری از سخنان، تصمیمات «رهبری» را ناشی از تصمیم‌گیری «میدان» می‌بیند و برخلاف باور عام، او را فراتر از همه و تصمیم‌گیرنده مطلق نمی‌شناسد: «وقتی میدان تصمیم بگیرد و اهداف میدانی بر استراتژی کشور حاکم شود، این می‌شود که با ما بازی کنند. سلیمانی می‌گوید میدان اصل است.» وقتی هم مجری به امکان وجود حاکمیت دوگانه (تز لنین) اشاره می‌کند، ظریف وجود حاکمیت دوگانه را نفی می‌کند و می‌گوید که حاکمیت یگانه است ولی عملاً اختیار را به «میدان» داده است.

این سخن ظریف، این ظن را تشدید می‌کند که حاکمیت در صدد است با روی کار آوردن یک دولت نظامی، حکومت اقتدارگرایانه‌تری را با حمایت نظامیان بر جامعه تحمیل کند تا در سایه آن، مسأله جانشینی رهبر را از طریق انتقال آن به فردی که مورد تأیید خامنه‌ای باشد، حل و فصل کند.

ظریف از گروهی در داخل حاکمیت به نام «نگرش جنگ سردی دارند» یاد می‌کند که فکر می‌کنند «آن‌کس که در میدان قوی است، در صحنه بین‌المللی هم قوی است.» ظریف گله‌مند است که «هنوز باور نکردیم دیپلماسی و انسجام ملی در قدرت نقش دارد. قدرت را تک ساحتی می‌بینیم.» ظریف به نقش مهم صداوسیما در شکل‌دهی افکار عمومی اشاره می‌کند و معتقد است که مردم هم «میدان» را به سیاست و اقتصاد و امنیت ترجیح می‌دهند.

ضمن این که ظریف به قاسم سلیمانی ابراز ارادت می‌کند و به نوعی برای کشته شدنش مرثیه سر می‌دهد، دست‌کم در یک مورد از او انتقاد هم می‌کند؛ این که قاسم سلیمانی در مورد «بیش از ۲۰۰ حمله اسرائیل» به مواضع ایران در سوریه، اشاره‌ای به او نکرده و او آن را از جان کری، وزیر امور خارجه دولت اوباما، شنیده است.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با توجه به درگیر بودن حکومت‌شان در مسائل منطقه‌ای متعددی مانند افغانستان، لبنان، یمن، سوریه و عراق، می‌باید به شرایط منطقه‌ای توجه گسترده‌تری داشته باشد. او که به قول روزنامه نیویورکتایمز (۱۸ مه ۲۰۰۷)، «صدای ایران در سازمان ملل است که با لهجه امریکائی حرف می‌زند»، بعید است مطالب روزنامه‌های امریکائی در سال ۲۰۱۸ را ندیده باشد که از بیش از ۲۰۰ مورد بمباران مواضع شبه‌نظامیان مور حمایت ایران در سوریه خبر داده‌اند.

ظریف می‌گوید با جان کری «رفیق نبودم، ولی آشنا بودم.» در حالی که چیزی بیش از آشنائی لازم است تا چنین اخباری پیش از رسانه‌ای شدن بر زبان جان کری جاری شود. ناگفته نماند که اصلاً معلوم نیست چرا ظریف چنین موضوعی را مطرح می‌کند. آیا صرفاً یک تصور اشتباه است؟ آیا می‌خواسته به دخالت قاسم سلیمانی و ناهماهنگی وزارت خارجه با آنچه در سخنان وی «میدان» نامگذاری شده، اشاره کند یا قصد داشته وزیر خارجه سابق امریکا را در وضعیت بدی قرار دهد؛ به حدی که جمهوری‌خواهان بر او فشار وارد کنند و خواهان برکناری‌اش از کابینه جو بایدن شوند؛ که امر غیرمحمولی است!

وقتی قاسم سلیمانی به عنوان مظهر «میدان»، مسافرت بشار اسد به تهران و ملاقات با رهبر را بدون اطلاع وزیر امور خارجه برنامه‌ریزی و اجرائی می‌کند، واکنش ظریف قهر و سکوت چند روزه است ولی با وجود شایعاتی در مورد استعفا، ظریف مجدداً به سر کار خود باز می‌گردد. سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا ظریف در قبال ۲۰۰ مورد حمله به مواضع ایران در سوریه، سکوت می‌کند و تا به امروز چیزی نمی‌گوید؟

خبر بیش از ۲۰۰ مورد حمله اسرائیلی‌ها به مواضع ایران را برای اولین بار، اسرائیلی‌ها با هدف نوعی بزرگ‌نمایی و خودنمایی منتشر کردند. طبعاً این حملات، یک شبه به ۲۰۰ مورد نرسیده و در طول زمان تعداد حملات فزونی گرفته تا به رقم ۲۰۰ رسیده است. اگر بین جان کری و ظریف مبادلاتی در سطح چنین اطلاعات انجام شده باشد، ظریف باید قبل از این که تعداد حملات به ۲۰۰ برسد هم از آن‌ها مطلع می‌شد. در غیر این صورت، سخن جان کری نه افشای محرمانه، بلکه اشاره به اخبار روز بوده است که مطبوعات امریکا در سال ۲۰۱۸ و در سطح وسیعی آن را پوشش دادند. بنابراین یا ظریف خواسته مظلوم‌نمایی کند و یا این که صرفاً قصد داشته است در مورد نقش «میدان» به مخاطب ایرانی آگاهی دهد و حرف خود را با استناد به جان کری، مهم‌تر نشان بدهد.

نکته مهمی که این روزها منتقدان و مخالفان دولت دموکرات امریکا در همین رابطه مطرح می‌کنند این است که آیا جان کری با انتقال اطلاعات مربوط به بیش از ۲۰۰ حمله اسرائیل به محمود جواد ظریف، قانون «لوگان» را زیر پا گذاشته

است و اطلاعات محرمانه را (منتشر شده در رسانه‌ها!) در اختیار بیگانه قرار داده است که خود غوغا سالاری دیگری است.

ظریف معتقد است اغلب مردم فکر می‌کنند «روسیه و چین با یک نگاه ژئواستراتژیک باید در کنار ایران بایستند و بجنگند. در حالی که روسیه و مخصوصا چین، رقابت خود را در حوزه تکنولوژی تعریف کرده‌اند.» او در اثبات سودمندی برتری اقتصادی می‌گوید: «به شاخ گاو نجسب؛ به پستان گاو بچسب!» و به عبارت دیگر، پستان گاو را مظهر زایش اقتصادی در برابر شاخ گاو به منزله منازعه نظامی، قرار می‌دهد: «امروز آمریکا ۷۸۰ میلیارد دلار و چین ۳۰۰ میلیارد دلار در زمینه نظامی سرمایه‌گذاری دارند. آمریکا از دهه ۹۰ به این طرف نگران خیزش چین به عنوان یک قدرت اقتصادی است.» البته این واقعیت‌ها به گوش نظامیان «میدان» که موشک با شعار نابودی اسرائیل پرتاب می‌کنند، فرو نمی‌رود.

ظریف ادامه می‌دهد که حرف‌هایی هست که «اجازه چاپش را نخواهم داد ولی می‌گویم.» بخشی از این حرف‌ها عبارت‌اند از: «گروهی در کشور ما منافع دارند برای این که همه‌چیز امنیتی بشود. چون نقش آن‌ها برجسته می‌شود؛ در صورتی که مزیت نسبی کشور ایران در حوزه تسلیحات نیست. مزیت نسبی ما در حوزه قدرت معنایی است... اقلیتی هستند که توان ایجاد یک موج گسترده را دارند.»

ظریف در عین حال سعی می‌کند از خود در قبال موضع‌گیری‌ها و کوتاهی‌هایی که در موارد انکار نقض حقوق بشر، اقلیت‌های مذهبی، اقوام، تمایل به توجیه و وارونه نشان دادن واقعیت‌ها و سایر موارد اجتماعی داشته نیز با همین بهانه دفاع کند که به عنوان وزیر امور خارجه و «نماینده حاکمیت»، خود را موظف می‌داند «از همه سیاست‌ها و اقدامات نظام» دفاع کند؛ حتی اگر خودش هم آن‌ها را قبول نداشته باشد! به این ترتیب ظریف تلاش می‌کند خودش را بی گناه جلوه دهد.

آذر ماه ۹۴ رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران با انتشار چند اسکرین‌شات از پست‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نوشتند که در صفحات فیس‌بوک حامیان ولادیمیر پوتین به قاسم سلیمانی لقب «شکارچی شکارچیان» داده‌اند و بر همین اساس تیتز زدند «تعظیم طرفداران پوتین به حاج قاسم سلیمانی.»

این تصویرسازی‌های سابقه‌دار از فرمانده وقت نیروی قدس سپاه همزمان شده بود با خبرهای جسته و گریخته درباره سفر قاسم سلیمانی به مسکو و دیدارش با رئیس‌جمهوری روسیه.

آن روزها پوتین محبوب حزب‌الله بود. «زائران ایرانی» که پای پیاده می‌رفتند سفر کربلا، روی کوله‌پشتی‌های خود عکس پوتین را در کنار «رهبران مقاومت» می‌چسباندند؛ به اصلاح «رهبران مقاومتی» که همه زیر سایه قاسم سلیمانی تصور می‌شدند و مهره خامنه‌ای تصویر می‌شدند.

اما پنج سال و اندی پس از آن فضا سازی محمدجواد ظریف، در گفت‌وگویی بی‌سابقه آگاهانه و عامدانه و یا ناآگاهانه و ناگهانی پرده از راز رابطه پوتین و قاسم سلیمانی برداشت و سلیمانی را در قالب مهره‌ای تصویر کرد که «اراده روسیه» را در ایران جاری می‌کرد.

در سال‌های گذشته، در رسانه‌های سپاه پاسداران به‌نقل از فرماندهان سپاه و حزب‌الله لبنان گزارش‌هایی منتشر شده بود مبنی بر این‌که «سلیمانی به پوتین تفهیم کرد» وارد سوریه شود، «در صحنه میدانی و عمل، سردار سلیمانی حرف اول را می‌زند»، «سلیمانی در کاخ کرملین که زمانی کمونیست‌ها علیه ایران توطئه می‌کردند، اذان خواند و نماز اقامه کرد»، پوتین بر خلاف روال معمول دو ساعت با سلیمانی جلسه گذاشت و «پوتین به سلیمانی گفت تو من را قانع

کردی» که وارد جنگ سوریه بشویم و «سلیمانی حتی در مقابل شخصی چون پوتین، قدرت رهبری خود را نشان داد و روسیه را وارد راهبردی کرد که خود طراحی کرده بود.»

اما محمدجواد ظریف در فایل صوتی منتشرشده، همه این روایت‌ها را به چالش می‌کشد و این ادعا را که «سلیمانی پوتین را به جنگ کشید» رد می‌کند و می‌گوید پوتین خودش تصمیم گرفته بود به سوریه وارد شود، سفر سلیمانی به روسیه را قبول کرد، وارد جنگ سوریه شد، «نیروی زمینی ایران (را) هم به جنگ کشید»، با هواپیما از روی خاک ایران به سوریه حمله کرد و ایران را بیش‌تر درگیر جنگ کرد تا بتواند هر چه بیش‌تر «دست‌آورد وزارت خارجه ایران» یعنی برجام را «نابود کند.»

نگاه منفی ظریف و روس‌ها به یکدیگر سابقه‌ای حدوداً ۲۰ ساله دارد. در کتاب «آقای سفیر»، بخشی از چالش‌های میان او و روس‌ها به زمستان سال ۱۳۶۶ باز می‌گردد که امریکا برای صدور یک قطع‌نامه علیه ایران در شورای امنیت در حال رایزنی بود و روس‌ها و چینی‌ها مخالف بودند.

پس از کشاکش‌های دیپلماتیک، نماینده روس‌ها در آن زمان به ظریف می‌گوید «از مرکز دستورالعمل داریم» مقاومت را «متوقف کنیم و قطع‌نامه پیش خواهد رفت.»

به‌روایت ظریف، چندی بعد ک.گ.ب، سازمان جاسوسی شوروی، «هیئتی را به تهران اعزام کرده بودند» و به مقامات تهران گفته بودند که ظریف به حکومت ایران «خیانت کرده» و روس‌ها به او گفته بودند که در مقابل قطع‌نامه «مقاومت می‌کنند.»

ظریف این عمل روس‌ها را «دروغ بزرگ» می‌خواند و می‌گوید آن‌ها برای «تضعیف تیمی که واقعا کارآمد» بود، برنامه داشتند؛ روایتی شبیه به حرف‌های اکنون او که برنامه روس‌ها را نابود کردن دست‌آوردهای تیم خودش در برجام توصیف کرده است.

این جدال تاریخی که در آن ظریف خود را بازنده می‌بیند، در این چند سال که او وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود، در فضای رسانه‌ای نیز به نوعی جلوه‌گر بود.

در روابط ایران و روسیه، ظریف هم سلیمانی را بالای سر خود می‌دید که با روس‌ها نشست خصوصی و پروژه مشترک نظامی و امنیتی داشت و هم سایه علی‌اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل خامنه‌ای، را به‌عنوان نماینده ویژه رهبر حس می‌کرد. روس‌ها اگر حرف نظامی داشتند، با سلیمانی در میان می‌گذاشتند و اگر حرف سیاسی و حتی اقتصادی بود، ولایتی در دسترس‌شان بود.

ظریف از قاسم سلیمانی درباره رابطه «میدان» (سپاه و به‌ویژه نیروی قدس سپاه) و «دیپلماسی» (دولت) ترسیم می‌کند. او بارها می‌گوید که بعد از برجام هیچ‌وقت نتوانست که سلیمانی را به‌عنوان فرمانده میدان جنگ‌های منطقه‌ای ایران قانع کند که امتیاز یا کمکی به دیپلماسی بدهد، و با لحنی گلایه‌آمیز تاکید می‌کند که عالی‌ترین نهادهای تصمیم‌سازی در ایران در نهایت دنباله‌رو «میدان» می‌شوند، چون میدان «اختیار تام» دارد.

این اختیار تام که به ظهور یک چهره نظامی با قدرت مطلقه مانند قاسم سلیمانی و نفوذش در همه ارکان جمهوری اسلامی حتی اجرائی‌ترین بخش‌های دولت منجر شده، سبب شده است که در بحران‌هایی چون یمن، نیروی قدس سپاه کل سیستم دولت را هم به‌دنبال خود بکشاند و در بحران‌هایی چون سوریه «اراده روسیه» را تعقیب کند.

از این منظر، «اراده روسیه» معطوف و محدود به نفوذ سیاسی یا فضا‌سازی یا رفت‌وآمد «مستقیم به بیت رهبری» نبوده است، بلکه آن‌ها مدیر و پیاده‌نظام برای اجرائی کردنش را هم داشته‌اند.

در سال‌های اخیر، خامنه‌ای به الگوی «نگاه به شرق» با محوریت چین و روسیه که نتایج آن همکاری ایران و روسیه در سوریه یا «سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین» است، به‌عنوان جایگزین «نگاه به غرب» که میوه آن «برجام» بود، نگاه کرده است.

علی خامنه‌ای که پوتین را «مرد تصمیم و عمل» می‌داند، دو ماه پیش وقتی دولت بایدن شروع به کار کرد، برای این‌که به وعده وفا کرده باشد، نامه‌ای محرمانه از طریق محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، برای پوتین فرستاد و گفت راهبرد ایران در قبال روسیه تغییر نمی‌کند. پوتین هم به دلایلی که هنوز روشن نیست این نماینده خامنه‌ای را نپذیرفت و نامه خامنه‌ای را غیرمستقیم دریافت کرد.

اما روایت ظریف از تسلط روسیه بر دیپلماسی ایران این برداشت‌ها درباره نگاه خامنه‌ای را برعکس می‌کند و در سطحی کلان‌تر به مخاطب می‌گوید که راهبردهائی چون «نگاه به شرق» محصول اراده و انتخاب رهبر جمهوری اسلامی نیست، بلکه محصول «اراده» و «تحمل» دیگران است.

شبکه خبر تلویزیون حکومت ایران روز ۱۲ دی ۱۳۹۹ در گزارشی اعلام کرد که «پرتره سیاه‌قلم» قاسم سلیمانی در «تالار موزه افتخارات نظامی وزارت دفاع روسیه» در ردیف اول قهرمانان نصب شده است. اکنون، با روایتی که ظریف از رابطه قاسم سلیمانی با رئیس‌جمهوری روسیه به دست داده است، شاید بتوان با خط درشت زیر آن پرتره نوشت: «جاسوس پوتین در ایران.» تصویر، FARDA

ظریف می‌گوید: چهارشنبه صبح هواپیمای اوکراینی را زدند. من ظهر جمعه رفتم جلسه ویژه‌ای که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی برگزار کرد. عرض کردم دنیا می‌گوید به هواپیما موشک خورده است. اگر واقعا موشک خورده است بگوئید ببینیم ما چه‌طور می‌توانیم آن را علاج کنیم. خدا شاهد است، آن‌گونه با من برخورد کردند که انگار من کفر ابلیس گفتم. گفتند نه، یعنی چه. برو، برو توثیت بزن و تکذیب کن. در حالی که صبح پنج‌شنبه آقایان می‌دانستند موشک خورده است یا بعدازظهر چهارشنبه.

ظریف اضافه می‌کند که «تقریبا هر بار که من برای مذاکره رفتم، این سلیمانی بود که می‌گفت من می‌خواهم که این خاصیت را بگیرد، این نکته را بگیرد.»

در این‌جا مصاحبه‌کننده حرف ظریف را قطع می‌کند و می‌گوید سلیمانی هم می‌گفت که من حاضرم در مقابلش این کار را انجام بدهم یا ندهم. وزیر خارجه ایران اما حرف مصاحبه‌کننده را رد می‌کند و می‌گوید: «این قسمتش نبود. می‌گفت تو می‌روی با لاوروف (وزیر خارجه روسیه) مذاکره کنی از او یک، دو، سه، چهار بخواه. یعنی دیپلماسی هزینه این شود که مثلا شما در حلب (سوریه) یا ادلب بخواهید یک کاری انجام دهید.»

او می‌گوید: «من می‌رفتم برای موفقیت کار میدانی مذاکره می‌کردم. اما این‌که من به ایشان بگویم شما مثلا از هواپیمای ایران ایر در خط تهران- سوریه استفاده نکن. ایشان (قاسم سلیمانی) زیر بار نمی‌رفت. لذا دیپلماسی هزینه میدان شد اما هیچ‌وقت میدان هزینه دیپلماسی نشد.»

جواد ظریف در بخش دیگری از این مصاحبه می‌گوید پس از نهائی شدن برجام در تیرماه سال ۱۳۹۴ تا روز اجرائی شدن این توافق در دی‌ماه همان سال، اتفاقاتی علیه برجام افتاد.

ظریف در این بخش می‌گوید: «کافی است اتفاقاتی که در شش ماه بین نهائی شدن برجام تا به اجرا در آمدن آن رخ داد را مرور کنید، یعنی از تیرماه ۱۳۹۴ تا دی آن سال. آخرین این اتفاقات حمله به سفارت عربستان و گرفتن دو کشتی امریکائی بود. اولینش سفر سردار سلیمانی به روسیه بود.»

ظریف بهصراحت می‌گوید که سفر سلیمانی بدون نظارت وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و «با اراده روسیه» با هدف «نابودی دستاوردهای وزارت خارجه» انجام گرفت و تاکید می‌کند که «روسیه زمانی پذیرفت آقای سلیمانی به روسیه برود که برجام امضا شد.»

وزیر خارجه ایران در این فایل صوتی سه ساعته همچنین می‌گوید: «ما ادعا می‌کنیم که سلیمانی پوتین را به جنگ کشید، اما پوتین تصمیمش را گرفته بود. پوتین وارد جنگ شد، اما با نیروی هوایی، اما نیروی زمینی ایران را هم به جنگ کشید. ما تا آن زمان نیروی زمینی نداشتیم. سوری‌ها و اعراب و افغانی‌ها و داوطلبان بود.»

به‌گفته ظریف، «قاسم سلیمانی را روس‌ها در تیر ۹۴ دعوت کردند به مسکو برود، در شرایطی که تصمیم‌شان را برای دخالت در سوریه گرفته بودند» و اضافه می‌کند «چرا روسیه در حالی که می‌توانست از روی مدیترانه خاک سوریه را بزند اما از روی ایران زد. چرا هواپیماهای روسیه از روی ایران پرواز کردند. این اتفاق‌ها همه مال بعد از برجام است.»

وزیر خارجه ایران مدعی می‌شود که روسیه در هفته آخر امضای برجام حداکثر تلاشش را کرد که برجام به نتیجه نرسد و در این باره به عکس مشهور وزرای خارجه کشورها پس از برجام نیز اشاره می‌کند که در آن وزیر خارجه روسیه غایب است.

به‌گفته محمدجواد ظریف، «روس‌ها فکر نمی‌کردند برجام به نتیجه برسد و در هفته‌های آخر که دیدند برجام دارد به نتیجه می‌رسد، شروع کردند به طرح پیشنهادهایی جدید» و در توضیح اضافه می‌کند که «در این مرحله روسیه و فرانسه پیشنهاد دادند که ایران هر ۶ ماه یک بار موظف به تمدید مجوز از شورای امنیت برای ادامه توافق هسته‌ای باشد.»

ظریف در بخش دیگری از این مصاحبه به موضوع افزایش پروازهای هما به سوریه پس از برجام به خواست قاسم سلیمانی و در عین بی‌اطلاعی مقامات دولتی اشاره می‌کند. او می‌گوید پس از برجام، هنگامی که ایران خرید هواپیمای بوئینگ و ایرباس را آغاز کرد و شرکت هواپیمایی ایران‌ایر از فهرست تروریستی امریکا خارج شد، با فشار قاسم سلیمانی «سفرهای شرکت هواپیمایی هما به سوریه اضافه شد.»

به‌گفته ظریف، پس خارج شدن ایران‌ایر از فهرست تحریم‌های امریکا که در ۲۶ دی ۹۴ انجام شد، در خرداد ۹۵ جان کری، وزیر وقت امور خارجه امریکا، به او خبر داده که پس از رفع تحریم هما، پروازهای آن به سوریه شش برابر شده است. ظریف می‌گوید در واکنش به کری گفته این امکان ندارد، چون پرواز به سوریه را ایران‌ایر انجام نمی‌دهد و پروازها با ماهان انجام می‌شود.

به روایت وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، پس از آن او از عباس آخوندی، وزیر وقت راه، پرس‌وجو می‌کند و وزیر هم موضوع را رد می‌کند. سپس آخوندی از فرهاد پرورش، مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌کند و او خبر را تأیید می‌کند و اضافه می‌کند که پروازهای هما به سوریه زیر فشار قاسم سلیمانی افزایش پیدا کرده است.

پس از روشن شدن ماجرا، ظریف در دیدار با قاسم سلیمانی مسأله را مطرح می‌کند و آقای سلیمانی جواب می‌دهد «چون هما امن‌تر است.»

به‌گفته ظریف، قاسم سلیمانی معتقد بوده چون «میدان (جنگ)» اصل است، فرضا اگر استفاده از هما ۲ درصد نسبت به ماهان مزیت داشته باشد، باید از هما استفاده کرد حتی اگر ۲۰۰ درصد به دیپلماسی کشور هزینه وارد شود.

در همین بخش از مصاحبه است که ظریف می‌گوید معتقد است اساسا در ایران «حاکمیت دوگانه» وجود ندارد و حاکمیت یگانه وجود دارد چون این «میدان» است که تصمیم می‌گیرد.

وزیر خارجه ایران در بخش دیگری از اظهارات خود به حملات سال‌های اخیر اسرائیل به اهداف ایرانی در سوریه اشاره کرد و با تاکید دوباره بر بی‌اطلاعی از بسیاری از اقدامات منطقه‌ای سپاه پاسداران گفت که آمار حملات اسرائیل به نیروهای جمهوری اسلامی در سوریه را همتای امریکائی‌اش به او داده است.

او می‌گوید: «شما نمی‌توانید بگوئید چند نفر در سوریه کشته شده‌اند، جان کری باید به من خبر بدهد که اسرائیل ۲۰۰ بار به شما حمله کرده است!»

در این‌جا لیلانز از او می‌پرسد که «شما نمی‌دانستید؟» و ظریف پاسخ می‌دهد: «نه! نه!»

جان کری وزیر خارجه پیشین امریکا و از مقامات فعلی دولت جو بایدن این ادعا را رد کرده است. کری در توییتر خود در واکنش به ادعای ظریف نوشت: این‌ها هرگز اتفاق نیفتاده؛ چه زمانی که من وزیر خارجه بودم چه بعد از آن.

ظریف همچنین درباره بی‌اطلاعی‌اش از سفر بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، به ایران در سال ۱۳۹۷ که منجر به نوشتن استعفایش شد، می‌گوید: «سفر را من و سلیمانی با هم هماهنگ کردیم، اما وقتی او را آوردند، به من چیزی نگفتند و من از تلویزیون دیدم.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «امریکا زودتر از من خبر حمله به عین‌الاسد را شنید. دو نفر از نیروی قدس ۴۵ دقیقه قبل از حمله به پایگاه عین‌الاسد، پیش نخست‌وزیر عراق رفتند و گفتند که ما به زودی به یک پایگاه امریکا در عراق شلیک می‌کنیم.»

حمله ایران به این پایگاه پنج روز پس از آن صورت گرفت که ارتش امریکا در روز ۱۳ دی‌ماه ۹۸ قاسم سلیمانی و تیم همراه او را با استفاده از پهپادهای نظامی در نزدیکی فرودگاه بغداد هدف حمله قرار داد که منجر به کشته شدن آن‌ها شد.

ظریف می‌گوید که با وجود اطلاع قبلی امریکا و عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت عراق، از حمله سپاه پاسداران به عین‌الاسد، او دو ساعت پس از حمله مطلع شد.

ظریف در بخش دیگری از سخنان خود در مورد سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط یگان موشکی سپاه پاسداران در بامداد ۱۸ دی سال ۹۸ و همزمان با حمله به عین‌الاسد گفت: «چهارشنبه صبح هواپیمای اوکراینی را زدند. من ظهر جمعه رفتم جلسه ویژه‌ای که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی برگزار کرد. عرض کردم دنیا می‌گوید به هواپیما موشک خورده است. اگر واقعا موشک خورده است بگوئید ببینیم ما چه‌طور می‌توانیم آن را علاج کنیم. خدا شاهد است، آن‌گونه با من برخورد کردند که انگار من کفر ابلیس گفتم ... صبح پنج‌شنبه آقایان می‌دانستند موشک خورده است یا بعدازظهر چهارشنبه.»

ظریف در بخش دیگری از این فایل می‌گوید که مقام‌های حاضر در جلسه مرتبط با بررسی شلیک موشک به هواپیما به او گفته‌اند که «برو توثیق بزن و تکذیب کن» و او در پاسخ گفته است که «من وزیر خارجه هستم. من قرار است که بیایم توجیه کنم اما دیگر کسی حرف من را نمی‌خواند.»

جواد ظریف در بخشی از این مصاحبه همچنین به یادآوری مناسباتش با رئیس دولت نهم و دهم ایران پرداخته است. او می‌گوید محمود احمدی‌نژاد پس از اولین سفرش به نیویورک که دو هفته بعد از رسیدن به ریاست‌جمهوری (در سال ۸۴) انجام شد، در جلسه‌ای گفته بود که باید ظریف را برکنار کنید.

او می‌افزاید که متکی و لاریجانی با پادرمیانی رضایت احمدی‌نژاد را جلب کردند و به او یادآور شدند که چنین اقدامی بدون هماهنگی‌های لازم با مقامات عالی حکومت ممکن نیست.

ظریف در بخش دیگری از این گفت‌وگو به اهمیت توسعه روابط ایران با چین و روسیه پرداخت. او می‌گوید: «ما هنوز جهان را بر اساس مدل دو قطبی جنگ سردی می‌بینیم و با معیارهایی می‌سنجیم که دیگر جوابگو نیستند. همین امروز هم فکر می‌کنیم که روسیه و چین با یک نگاه ژئواستراتژیک باید کنار ایران بایستند و با آمریکا بجنگند. در صورتی که روسیه و چین - به‌ویژه چین - رقابت خود با آمریکا را در حوزه تکنولوژی تعریف کرده‌اند، نه در حوزه ژئواستراتژیک.»

این در حالی است که به باور ظریف، آمریکا رقابتش با چین را در حوزه ژئواستراتژیک تعریف می‌کند، چون آمریکا ۷۸۰ میلیارد دلار هزینه نظامی می‌کند، اما چین ۳۰۰ میلیارد دلار در این بخش هزینه می‌کند. به‌گفته وزیر خارجه، منافع آمریکا ایجاب می‌کند که این دعوا را «امنیتی» کند.

ظریف به صراحت افزود: «من از طرفداران جدی رابطه با روسیه و چین هستم. روسیه همسایه ماست و چین کشوری است در حال برآمدن که در سال‌های آینده بدل به قدرت اول دنیا خواهد شد. به نفع روسیه است که در روابط ما و غرب بحران نباشد اما به نفعش نیست که روابط ما و غرب عادی‌سازی شود.»

جواد ظریف با اشاره به سیاست‌های نادرست دوران محمود احمدی‌نژاد، گفت با تصویب اولین قطع‌نامه و بیرون راندن ایران از بازار جهانی نفت، «دنیا دید که به نفت ایران نیازی ندارد» و کماکان هم وضع به همان منوال است. او تاکید کرد که بخش قابل توجهی از جامعه ایران هوادار تفکر آقایان متکی و احمدی‌نژاد هستند و به «میدان (جنگ)» بیش از دیپلماسی باور دارند.

ظریف همچنین در پاسخ به سؤالی درباره تنش با آمریکا با تاکید بر این‌که مسائل جمهوری اسلامی با آمریکا هیچ‌گاه حل نخواهد شد اما می‌توان با این کشور «مدیریت تنازع» کرد، می‌گوید که محمود احمدی‌نژاد و سعید جلیلی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، مذاکره جمهوری اسلامی با آمریکا را «غیر قابل اجتناب» کردند.

ظریف همچنین در واکنش به سخنان جلیلی و کسانی که ایران را تحت فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل متحد نمی‌دانند، می‌گوید: «دوستان حالی‌شان نیست که فصل هفتم منشور ملل متحد از ماده ۳۹ تا ۵۱ را در بر می‌گیرد. این از دروغ بدتر و فاجعه است.»

وزیر خارجه ایران در ادامه مصاحبه‌اش درباره مخالفان داخلی دولت که جلوی مذاکرات را می‌گیرند، گفت: «حالی‌شان نیست، خیال می‌کنند شش ماه دیگر همه چیز سر جایش است و می‌آیند و مسائل کشور را حل و فصل می‌کنند.»

ظریف در بخشی دیگر از این مصاحبه می‌گوید که در اوایل دهه ۹۰ خورشیدی به حسن روحانی و محمد خاتمی درباره سیاست خارجی ایران گفته است که «یک گروه کشور را انداخته است در یک چاهی و آن چاه چاه هسته‌ای است» و در ادامه تأکید می‌کند که «می‌شد از آن وضعیت پرهیز کرد.»

او همچنین در پاسخ به سؤال مصاحبه‌کننده درباره مقایسه برجام و قطع‌نامه ۵۹۸ که به جنگ هشت ساله ایران و عراق پایان داد، با اشاره به حضورش در مذاکرات هر دو مورد، می‌گوید: «حتما برجام دستاورد بسیار بزرگ تاریخی است و حتما بزرگ‌تر از ۵۹۸ است و در ادامه می‌گوید که قطع‌نامه ۵۹۸ یک تفاوت داشت و آن این‌که «آن‌ها که در زمان مذاکره حضور داشتند، لااقل از پشت خنجر نمی‌خوردند.»

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی درباره تحمیل سیاست‌های سپاه پاسداران به وزارت خارجه، استراتژی جمهوری اسلامی را «جنگ سردی» خواند و گفت: «من دیپلماسی را بیش‌تر برای میدان هزینه کردم، تا میدان برای دیپلماسی هزینه شده باشد.»

این مقام دولت جمهوری اسلامی همچنین همراهی خود با قاسم سلیمانی را تأیید کرد و گفت: «هیچ زمانی در دوران کار من، نتوانستم به فرمانده میدان (نظامی) بگویم کاری را بکن چون در دیپلماسی نیاز دارم.» او افزود: «تقریباً هر بار که من برای مذاکره رفتم این سلیمانی بود که می‌گفت می‌خواهم تو این خاصیت یا نکته را بگیری. من برای موفقیت میدان مذاکره می‌کردم.» او اشاره کرد که با وجود اطلاع عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت عراق، از حمله سپاه پاسداران پیش از وقوع آن، او دو ساعت پس از آن مطلع شد.

ظریف درباره بی‌اطلاعی‌اش از سفر بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، به ایران در سال ۱۳۹۷ که منجر به نوشتن استعفایش شد گفت: «سفر را من و سلیمانی با هم هماهنگ کردیم، اما وقتی او را آوردند به من چیزی نگفتند و من از تلویزیون دیدم.»

رئیس دستگاه دیپلماسی اشاره کرد در جریان مذاکرات برجام به دلیل اختلاف نظر با سرگئی لاوروف، نماینده روسیه، به او توهین کرد.

ظریف گفت در مرحله‌ای از مذاکرات وقتی به توافق نرسیده بودیم و لاوروف به من گفته بود تو دستورالعملی نداری، در حضور جان کری، وزیر خارجه آمریکا، به او پاسخ داده است: «این مسأله به تو ربطی ندارد.» وزیر امور خارجه ایران همچنین اضافه کرد که به غیر از این عبارت کلمه‌ای «بی‌ادبانه و غیردیپلماتیک» هم خطاب به لاوروف گفته است.

او در بخش دیگری به عدم تغییر رفتار دولت آمریکا در زمان ریاست‌جمهوری جو بایدن اشاره کرد و گفت: «بالای ۱۰ میلیارد دلار پول ما در خارج از کشور بلوکه شده است و از روزی که آقای بایدن آمده هیچ تحولی ندیدیم.» به هر صورت انتشار فایل صوتی ظریف پس لרزهائی را در جمهوری اسلامی و هم در آمریکا به وجود آورد. سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، در واکنش به انتشار فایل صوتی محمد جواد ظریف، آن را فایلی «مخدوش» و «تقطیع‌شده» از یک گفت‌وگوی داخلی هفت ساعته خواند.

خطیب‌زاده افزود: «این گفت‌وگو صرفاً برای ثبت در حافظه سازمانی دولت تدبیر و امید ضبط شده بوده و قرار به انتشار آن نبوده است.»

سخنگوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در پایان با بیان این‌که متأسفانه با توجه به افزایش بی‌اخلاقی‌های سیاسی که این روزها به صورت فزاینده شاهد آن هستیم، باید منتظر تقطیع و پخش بخش‌های گزینشی دیگری از این گفت‌وگو یا موارد مشابه هم باشیم، تأکید کرد: در صورت موافقت نهادهای ذی‌ربط کل گفت‌وگوی ۷ ساعته منتشر خواهد شد. سخنگوی دولت روحانی می‌گوید فایل صوتی گفت‌وگوی بی‌سابقه محمدجواد ظریف به سرقت رفته و وزارت اطلاعات پیگیر است که ربایندگان را شناسائی کند.

ربیعی گفته است: ربایش اسناد به اعتقاد ما توطئه‌ای علیه نظام، دولت، و انسجام داخلی و نهادهای کارآمد و علیه منافع ملی ما است.

او افزود: این فایل به سرقت رفته و منتشر شده است. رئیس‌جمهور به وزارت اطلاعات دستور دادند تا عوامل توطئه را شناسایی کنند. دولت منتظر است که وزیر خارجه از سفر به عراق بازگردد و توضیحات لازم را در زمینه سوءبرداشت‌ها بدهد.

در امریکا نیز دن سالیوان، عضو جمهوری‌خواه سنای امریکا، در طی نطقی که در سنا ایراد کرد از جمله گفت بسیار شگفت‌زده است از این‌که جان کری «اسرار یکی از مهم‌ترین و پایدارترین متحدان ما (امریکا) در منطقه را برای یکی از دشمنان اثبات شده و بزرگترین کشور حامی تروریسم فاش کرده است.» سالیوان که در دولت جرج دبیلو بوش از مقامات ارشد وزارت امور خارجه امریکا بوده است خواهان استعفای کری در صورت اثبات اصالت صوت افشا شده ظریف شد.

نیکی هیلی، سفیر پیشین امریکا در سازمان ملل اظهارات ظریف در صوت افشا شده را در «سطوح مختلف زننده» خواند و گفت: بایدن و کری باید توضیح دهند چرا کری به «حامی شماره یک تروریسم» کمک کرده و به مهم‌ترین شریک امریکا «خنجر» زده است.

انتشار این فایل تاکنون بازتاب گسترده‌ای داشته و برخی نمایندگان مجلس و رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران با خیانت توصیف کردن انتشار این فایل و اهانت و توهین دانستن سخنان ظریف درباره سلیمانی، خواستار ورود شورای عالی امنیت و قوه قضائیه برای برخورد با ظریف شده‌اند.

روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در گزارشی انتشار این فایل را خیانت امنیتی‌های اخراجی به امنیت ملی توصیف کرده و خواسته است که دستگاه قضائی و نهادهای امنیتی سریعاً برای افشای چهره این خائن به ملت وارد عمل شوند.

برخی رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران با خیانت توصیف کردن انتشار فایل صوتی ظریف و اهانت و توهین دانستن سخنان ظریف درباره قاسم سلیمانی، خواستار ورود شورای عالی امنیت و قوه قضائیه برای برخورد با ظریف شده‌اند. از سوی دیگر حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس با اشاره به فایل منتشر شده از مصاحبه محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه گفت: «آقای ظریف باید راجع به مطالبی که در این مصاحبه مطرح کرده توضیحات لازم را بدهد.»

او افزود: «ظریف در این مصاحبه مطالبی را مطرح می‌کند که گویا نمی‌داند وزیر خارجه کشوری مثل جمهوری اسلامی ایران است و مسائلی را به چالش می‌کشد که جزو خطوط قرمز جمهوری اسلامی است که وی در آن سمت وزارت امور خارجه را دارد.»

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اظهار داشت: «آقای ظریف پس از ۴۰ سال در حوزه دیپلماسی در جمهوری اسلامی ایران گویا هنوز متوجه خطوط قرمز نظام و خط مشی نظام در حوزه سیاست خارجی نیست.»

پژمانفر خاطرنشان کرد: «این قبیل افراد باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران خط مشی‌اش مبارزه با استکبار و در رأس آن‌ها امریکای جهان‌خوار است و کار به گونه‌ای نیست که ما بخواهیم کشورمان را مثل کشورهای دیگر از جمله کشورهای غربی اداره کنیم.»

ظریف به مباحث ایجاد شده پیرامون فایل صوتی اش واکنش نشان داد و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی بالاخره به انتشار فایل صوتی محرمانه‌ای که منتشر شد واکنش نشان داد.

او در حساب کاربری خود در اینستاگرام فیلمی از دیدار خود از محل ترور قاسم سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد را منتشر کرد و نوشت که گرچه در مقام تحلیل، نظرات خودش را دارد ولی در نقش دیپلماتیکی که بر عهده دارد صرفاً مقلد و تابع سیاست‌های نظام است.

محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران در متنی که در اینستاگرام خود منتشر کرده، نوشت: «در ۴۰ سال گذشته کوشیده‌ام در تحلیل مجتهد و در اجرا مقلد باشم. در مقام کارگزار همواره تابع سیاست‌های مصوب کشور بوده و از آن‌ها با قدرت دفاع کرده‌ام. اما در بیان نظر کارشناسی، عافیت طلبی، مماشات و خودسانسوری را خیانت دانسته‌ام.» چند ساعت پیش از آن‌که ظریف این متن را منتشر کند، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران به نقل از منابعش گفته بود که به‌زودی ظریف با انتشار اطلاعیه‌ای از خانواده قاسم سلیمانی عذرخواهی خواهد کرد.

ظریف در در یادداشت خود از قاسم سلیمانی تمجید کرده و نوشته است که «افتخار رفاقت عمیق و همکاری با حاج قاسم بیش از دو دهه ادامه داشته و رابطه قلبی و کاری ما تا هنگام شهادت ایشان نه تنها کمرنگ نشد بلکه همواره تعمیق یافت.»

در تندترین انتقاد از سوی خانواده قاسم سلیمانی به افشاگری‌های ظریف در مورد نقش قاسم سلیمانی، زینب سلیمانی، دختر قاسم سلیمانی با انتشار تصویری از باقی‌مانده جسد پدرش در توئیتر نوشته بود: «هزینه میدان برای دیپلماسی...». طعنه‌ای آشکار به صحبت‌های ظریف در مورد نقش مخرب سپاه و قاسم سلیمانی در ایران و تحمیل هزینه‌های فراوان و غیرقابل جبران. زینب سلیمانی در همین توئیت از هشتگ «جریان تحریف» استفاده کرده بود.

اما جواد ظریف بدون اشاره مستقیم به این انتقاد آشکار، صحبت‌های افشا شده خود را «بحث نظری» خوانده و نوشته است نباید از سخنانش درباره حاکمیت نظامیان بر سرنوشت کشور این‌گونه تعبیر شود که میان او دستگاه دیپلماسی با «نظامیان سرافراز» دوگانگی وجود دارد. او نوشته که علی خامنه‌ای «به صورت هوشمندانه» روابط نظامیان با دیپلماسی را تنظیم می‌کند.

ظریف گفت: این فایل محرمانه بوده و هیچ نقشی در افشای آن نداشته است.

از سوی دیگر سعید لیلانز در واکنش به انتشار فایل صوتی مصاحبه خود با ظریف گفت: معتقدم باید کسی که فایل صوتی را منتشر کرده، چوب در آستینش کرد.

او افزود: من عهد کردم فعلاً در خصوص این مسأله حرفی نزنم و می‌خواهم ببینم آیا دستگاه اطلاعاتی عرضه دارد این شخص را پیدا کند یا مثل ماجرای نطنز بعد از این‌که پوکید می‌خواهد اسم طرف را رسانه‌ای کند.

به گزارش تسنیم، لیلانز همچنین افزود: البته از دستگاه اطلاعاتی که فقط تلفن‌های لیلانز را شنود می‌کند بیش‌تر از این انتظار نمی‌رود.

شاید اولین قربانی افشا این نوار حسام‌الدین آشنا بود. او قبلاً آخوند بود که سپس تغییر لباسی داد تا به یکی از چهره‌های فعال امنیتی تبدیل شود. حسام‌الدین آشنا در دولت اول و دوم حسن روحانی، فعالیت گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت و در حمایت از وزرا و مسئولین دولتی بارها نوشت و زبان انتقاد علیه منتقدان دولت داشت. او از طرح امنیت اخلاقی و تشکیل گشت نامحسوس هفت هزار نفره در تهران مخالفت کرد یا از حضور زنان در ورزشگاه‌ها دفاع کرد و در جریان سقوط هواپیمای اوکراینی از سوی پدافند سپاه پاسداران نوشت «گول خوردیم» و در واکنش به انتشار نوار مصاحبه محمدجواد ظریف اظهار امیدواری که «انشالله این سوءنیت و کید احتمالی، به خودشان برگردد.»

در جمهوری اسلامی ایران استعفا رسم معمولی نیست. معمولاً در بدترین شرایط و با بدترین عملکرد نیز می‌توان تا پایان مدت مسئولیت به کار ادامه داد. اصولاً استعفا دادن در حکومت ایران یک امر غربی تلقی می‌شود که کارکرد

ندارد و معمولاً مدیران ارشد کمتر دست به چنین کاری می‌زنند و سابقه نشان داده اگر موضوع امنیتی باشد مثل شلیک موشک به هواپیمای مسافربری اوکراینی، شلیک مستقیم به معترضان و حتی افراد عادی و عابران در آبان‌ماه ۹۸، کشته شدن زندانی‌ها در زندان کهریزک و حادثه کوی دانشگاه در سال ۸۸، نه تنها فشاری برای استعفای مقام‌های ارشد نیست بلکه بازخواستی هم در کار نیست و در نهایت چند فرد پائین دست ممکن است بازداشت یا محاکمه می‌شوند.

حالا انتشار مصاحبه ظریف، نشان داد که چهقدر نیروهای نظامی دست بالا را در سیاست خارجی دارند و علنی کردن این موضوع برای وزیر خارجه و رئیس مرکز بررسی نهاد ریاست جمهوری هزینه سنگینی می‌تواند داشته باشد و استعفای حسام‌الدین آشنا شاید کمترین هزینه انتشار چنین مسایلی است.

حسام‌الدین آشنا در ۷ اردیبهشت‌ماه سال گذشته در مصاحبه با روزنامه ایران گفت: «مسئولان کشور گاهی حفظ ظاهر می‌کنند، اما اختلافات زیادی پشت صحنه است» و از این‌که در پشت صحنه مسایل شفاف نیست انتقاد می‌کند. به نظر می‌رسد انتقادهای در پشت صحنه، با انتشار خبری محرمانه، معمولاً علنی‌تر می‌شود و «حفظ ظاهر» در ملاءعام از بین می‌رود.

جمهوری اسلامی مدت‌هاست که با مشکلات امنیتی دست و پنجه نرم می‌کند. ترور دانشمندان مرتبط با برنامه هسته‌ای، کشته شدن قاسم سلیمانی، انفجار در مراکز کلیدی هسته‌ای کشور، سرقت هزاران سند از تهران و رونمایی آن در اسرائیل، افشای اطلاعات حساس در صدر حکومت و در آخرین مورد، انتشار یک فایل صوتی از وزیر خارجه که تمامی مناسبات بین‌المللی و افکار عمومی داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار داد، نمونه‌هایی از حفره‌های بزرگ امنیتی در سیستم اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی است.

دولت حسن روحانی به‌عنوان امنیتی‌ترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی شناخته می‌شود، به‌طوری که بسیاری از وزرا و مدیران او سابقه فعالیت در وزارت اطلاعات و نهادهای موازی امنیتی را دارند. اما درز اطلاعات یک مصاحبه از وزیر خارجه دولت تدبیر و امید، نشان داد که حفره‌های امنیتی جمهوری اسلامی حتی در چنین دولتی نیز همچنان فراخ است.

در حالی که هنوز عوامل ترور محسن فخری‌زاده، انفجارهای نطنز و سرقت اسناد هسته‌ای شناسائی نشده‌اند، پس از افشای سخنان ظریف، حسن روحانی در اقدامی حسام‌الدین آشنا را از ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری برکنار کرد و به‌جای او علی ربیعی را به این سمت منصوب کرد.



علی ربیعی با نام مستعار «برادر عباد» در میان امنیتی‌ها مشهور است، او یک سال پس از پیروزی انقلاب، عضو شورای کارگر می‌شود و در راس آن به همراه حسین کمالی و علیرضا محبوب قدرت را در دست می‌گیرد. او سپس در سال ۶۰ عضو شورای تدوین قانون کار می‌شود و بلافاصله حق مشارکت کارگران در سود کارخانه‌ها را لغو می‌کند.

ربيعی در همان ابتدای تشکيل سپاه پاسداران، به اين نهاد نظامی می‌پیوندند و از سال ۶۶ تا ۷۲ در دولت‌های میرحسین موسوی و دولت اول اکبر هاشمی رفسنجانی، به‌عنوان معاون حقوقی و پارلمانی وزیر اطلاعات با محمد ری‌شهری و علی فلاحيان همکاری می‌کند. او از ابتدای دهه ۶۰ مسؤول اطلاعات سپاه در استان‌های شمالی و آذربایجان شرقی می‌شود.

در دورانی که او در آذربایجان شرقی مسؤولیت داشت، وقایع تکان‌دهنده‌ای رخ داد. عبدالله شهبازی در این مورد به نقل از ربيعی گفته است که برادر عباد پس از دستگیری تعدادی از اعضای یکی از گروه‌های مخالف نظام، آن‌ها را در داخل تابوت قرار می‌دهد و در تابوت‌ها را با میخ می‌بندد. سپس، آن‌ها را از راه آستارا به گیلان فرستاده است. اما زمانی که کامیون حامل تابوت‌ها به مقصد می‌رسد، تمامی این افراد در اثر خفگی، کشته شده بودند. شهبازی می‌گوید که ربيعی این خاطره را با لبخند و خونسردی تعریف کرده است.

روح‌الله حسینیان نیز در مورد ربيعی گفته است: «... همین آقای «علی ربيعی» با اسم مستعار آقای «عباد»، من که با شما همکار بودم. من بارها با شما سر خشونت‌تان با متهمین درگیر شدم... آقای «محسنی اژه‌ای» (وزیر اطلاعات دولت احمدی‌نژاد و از آمران قتل‌های زنجیره‌ای) به‌خاطر خشونت همین آقای «عباد» با متهمین استعفا داد و رفت. اینها آمده‌اند؛ شعار ضد خشونت سر می‌دهند. واقعا انسان نمی‌داند قسم «حضرت عباس» را باور کند یا دم خروس را؟»

رضا گلپور چمرکوهی، نویسنده کتاب «شنود اشباح» درباره علی ربيعی می‌نویسد: «ربيعی همچنان عضو موثر شورای مرکزی خانه کارگر است. روابط خوبی با دیگر گروه‌های اصلاح‌طلبان نیز دارد. او دوست نزدیک حسن روحانی و بسیاری دیگر از چهره‌های کارگزارانی نزدیک به وی است. با جبهه مشارکت دوستی دیرینه دارد. از عناصر اطلاعاتی مورد وثوق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است و با چهره‌های کلیدی مجمع روحانیون مبارز مانند خاتمی و ابطحی بسیار صمیمی است.»

گلپور در بخش دیگری از کتابش به نقل از علی فلاحيان می‌نویسد که علی ربيعی در کنار حجابیان و امین‌زاده، عطریانفر، عباس عبدی و مزروعی، در بخش عملیات روانی وزارت اطلاعات فعالیت می‌کرد.

علی ربيعی در دو دوره ریاست‌جمهوری محمد خاتمی به‌عنوان مشاور اجتماعی با او همکاری می‌کرد. او در همان دوره و پس از افشای قتل‌های زنجیره‌ای، به‌عنوان عضو کمیته سه‌منفره بررسی و شناسایی عوامل این موضوع بوده است. بعدها تصاویری از زمان بازجویی از همسر سعید امامی منتشر شد که میزان قساوت نیروهای اطلاعاتی را نمایش می‌داد. فیلمی که با واکنش شدید افکار عمومی مواجه شد. گفته می‌شود این بازجویی‌ها زیر نظر علی ربيعی صورت گرفته است.

او همچنین به‌عنوان مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر، با تشکلی صنفی که برای روزنامه‌نگاران ایجاد شده بود، همکاری کرد. او در همان زمان دبیر اجرائی شورای عالی امنیت ملی بود و با حسن روحانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی همکاری می‌کرد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی در هر جایی که نسبت به آن احساس نگرانی امنیتی دارد، علی ربيعی را به آنجا می‌فرستد تا در چهره‌ای قانونی، عملکرد منتقدان و مخالفان را رصد کند.

ربيعی در جلسه بررسی صلاحیت برای پذیرش سمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مدعی شد که از زمان دولت محمدعلی رجایی تا زمان دولت روحانی، سه بار به وی پیشنهاد وزارت شده که نپذیرفته است. اما شرایط ویژه کشور او را قانع کرده تا این بار پیشنهاد وزارت را بپذیرد. اگرچه در نهایت او در مرداد سال ۹۷ توسط مجلس شورای اسلامی استیضاح و از کار برکنار شد.

اندکی بعد از برکناری از وزارت کار، حسن روحانی او را به‌عنوان سخنگوی دولت منصوب کرد.

اما پس از رسوائی اخير اطلاعاتی که در دولت رخ داد، ربيعی به عنوان فردی که سابقه امنیتی و اطلاعاتی طولانی دارد، از سوی حسن روحانی به عنوان جانشین حسام‌الدین آشنا معرفی شد تا شاید بتواند با استفاده از تجربه‌اش در عملیات روانی و کار در وزارت اطلاعات، از میزان سیل حملات تبلیغاتی بر دولت بکاهد.

حسام‌الدین آشنا نیز دو سال پس از انقلاب سال ۵۷ به سپاه پاسداران پیوست. او در سال ۱۳۶۷ با دختر قربانعلی دری نجف‌آبادی که در زمان انجام قتل‌های زنجیره‌ای، وزیر اطلاعات دولت محمد خاتمی بود، ازدواج کرد. گفته می‌شود خطبه عقد او را سیدعلی خامنه‌ای خوانده است.

او هم سابقه تحصیلات حوزوی دارد و هم در دانشگاه امام صادق که مسؤول کادرسازی برای نظام است، تحصیل کرده است. او در دوران طلبگی نیز شاگرد مهدوی کنی، رئیس سابق دانشگاه امام صادق بوده است. او بعدها لباس آخوندی را از تن در آورد. در همین زمینه احمد علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد در مورد اعتراضش به آشنا در مورد درآوردن لباس آخوندی به فارس گفته است: «دوستی بنده و آقای آشنا به سال‌های قبل که ایشان در دانشگاه امام صادق مشغول به تحصیل بود و بنده مسؤول دانشگاه بودم برمی‌گردد، ایشان در دانشگاه معمم و ملبس به لباس روحانیت شد اما لباس روحانیت را درآورد و بنده نیز اعتراض کردم که چرا این کار را کردید و آقای آشنا در پاسخ گفتند «کاری که من انجام می‌دهم تناسبی با لباس روحانیت ندارد نه پیش نمازم نه منبری و کاری که کسوت روحانیت داشته باشد را ندارم پس چه ضرورتی دارد که این لباس خدمت را بپوشم.»

ورود آشنا به عرصه امنیتی و اطلاعاتی به دوره محمد خاتمی بازمی‌گردد. قربانعلی دری نجف‌آبادی پس از رسیدن به وزارت اطلاعات، دامادش حسام‌الدین آشنا را به عنوان معاون ویژه وزیر اطلاعات منصوب کرد. او در همان اوایل فعالیت خود در سال ۱۳۷۷ با حسن روحانی آشنا شد. در آن زمان روحانی دبیر شورای امنیت ملی و آشنا نیز معاون وزیر اطلاعات بود. این دو نفر در جریان حصر آیت‌الله منتظری با یکدیگر همکاری کردند.

او به عنوان مشاور حسن روحانی در انتخابات سال ۹۶، در مورد نحوه برگزاری مناظره‌ها و مجری آن گفته بود: «ما اجازه ندادیم در این چهل سال مجری‌هائی در صداوسیما تربیت شوند که تکتک کاندیداها از آن‌ها مثل سگ بترسند...»

انتشار عکسی از حسام‌الدین آشنا که در حال دست‌بوسی از احمد جنتی است نیز جنجال دیگری پیرامون او به راه انداخت.

روحانی نیز به دلیل آن‌که آشنائی حسام‌الدین آشنا با رقبای سیاسی او و سابقه مدیریت جنگ‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، او را در دولت خود به کار گرفت.

اما انتشار فایل صوتی محمدجواد ظریف، پایان کار حسام‌الدین آشنا در دولت حسن روحانی بود. اگرچه در ابتدا گفته شد که او از سمت خود استعفا کرده، اما نامه نصب ربيعی به‌وضوح نشان می‌داد که آشنا از کار برکنار شده است.

حسام‌الدین آشنا به عنوان رئیس وقت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری اعلام کرد که برای ثبت در تاریخ از تمامی وزرا و دست‌اندرکاران دولت مصاحبه گرفته شده و قرار نبوده که در حال حاضر منتشر شود. به عبارت دیگر تیم مصاحبه‌کننده همه مراحل را زیر نظر او انجام داده‌اند؛ بنابراین مسؤول اصلی افشای این فایل صوتی حسام‌الدین آشنا است.

خود حسن روحانی نیز سابقه امنیتی و اطلاعاتی طولانی دارد، قصد دارد با قربانی کردن آشنا، هزینه افشای اطلاعات محرمانه و رسوائی اخير را بپردازد تا فشار بر روی دولت را تعدیل کند. به عبارت دیگر، جابه‌جائی دو نیروی امنیتی

با سابقه دولت تدبیر و امید، تنها در راستای تدبیری برای انحراف تیرهای تبلیغاتی علیه دولت است. دولتی که رئیس آن همچنان به پشتوانه امنیتی، خود را شایسته جانشینی رهبری نیز می‌داند.

در این فایل صوتی آنچه برجسته است انتقادهای ملایم ظریف از سپاه پاسداران و «فرماندهان» آن به ویژه قاسم سلیمانی است. در عین حال ظریف نزدیکی خود به سلیمانی مخفی نمی‌کند.

به علاوه گوش به فرمان بودن ظریف به فرمان‌های رهبری و همراهی او با فرماندهان سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی که کسب و کار اصلی‌شان ترور مخالفین و راه انداختن جنگ‌های نیابتی و قاچاق سلاح و مواد مخدر و غیره پوشش دیپلماتیک است بر کسی پوشیده نیست.

در واقع، محمدجواد ظریف، یک عنصر مهم جمهوری اسلامی در ماسمالی کردن جنایت‌های بی‌شمار جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی بوده است. این امر به خوبی خود را در روایت ظریف از جلسه «شورای عالی امنیت ملی» پس از موشک‌زنی سپاه به هواپیمای مسافربری اوکراینی نشان می‌دهد؛ ظریف اذعان می‌کند به «آقایان» پیشنهاد داد تا اگر موشکی زده شده به او بگویند تا او برود «علاج» کند. آنان اما به او تشر زدند و گفتند به جای فضولی و زبان‌درازی، برود توثیت بزند و بگوید اصلاً موشک‌پرانی در کار نبوده است.

محمد جواد ظریف در همان کتاب «آقای سفیر» از گروه‌های تروریستی اسلامی چون «حزبالله» و «حماس»، تعریف و تمجید می‌کند و می‌گوید: «برای حزب‌الله و حماس هزینه کردیم. تمام این هزینه‌ها امروز تبدیل به اهرم‌های قدرت ما در منطقه شده است.»

او در همین گفت‌وگوی سه ساعته خود نیز می‌گوید: «من بارها گفتم بروید از سیدحسین نصرالله بپرسید من خادم هستم یا خائن.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران با ذکر جزئیات رویدادهای مختلف اقرار می‌کند و می‌گوید که این سپاه است که عملاً با کنار گذاردن روال‌های قانونی در همین سیستم فاشیستی جمهوری اسلامی می‌تواند به یک کشور دیگر حمله موشکی کند، حمله به سفارت عربستان را برنامه‌ریزی و اجرا کند، با روسیه مذاکره کند و نیروی نظامی ایران را به جنگ در کشور دیگر بفرستد، هواپیمای مسافربری را سرنگون کند و بر آن سرپوش بگذارد و عملاً سیاست، اقتصاد و زندگی مردم را به گروگان بگیرد.

در چنین شرایطی یک منبع خبری گفته است که ظریف در سفرهای خود به خارج، با احتیاط و پرده‌پوشی بسیار، احتمال اقامت در یکی از کشورهای خارجی را مورد بررسی قرار داده است. دو کشوری که مورد توجه او قرار دارد امریکا و کانادا می‌باشد. ولی بعید است که آن کشورها حاضر به پذیرش ظریف و خانواده او باشند.

سه سال پیش ظریف مورد حملات شدید جناح اصول‌گرایان قرار گرفت و ناچار شد سیاست خود را ۱۸۰ درجه تغییر دهد و از یک دیپلمات «میان‌رو»، به یک عامل «تندرو» مبدل شود و به دفاع از سیاست‌های خامنه‌ای بپردازد و نقش «ماله کش» را برای توجیه سیاست‌های شخص خامنه‌ای و جناح اصول‌گرا را ایفا کند. ولی جناح تندرو به او هشدار داده که اگر با تجدید تماس‌ها با امریکا بر سر برجام، در صدد برآید پیشنهادهای آشتی‌جویانه را برای پیش‌برد گفت‌وگوها با امریکا مطرح سازد، جانش به خطر خواهد افتاد و از این رو ممکن است قصد مهاجرت داشته باشد.

در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در چند مقطع مهم اخباری به بیرون درز کرده که تأثیر عمیقی روی جریان‌های داخل و خارج از ایران داشته‌است ماجرای مک فارلین (ایران- کنتر) در سال ۱۳۶۵، انتشار فایل صوتی دیدار معروف «هیات مرگ» شامل حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت)، مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین) با آیت‌الله منتظری درباره اعدام‌های

سال ۶۷، قتل‌های زنجیره‌ای در سال ۷۷ و انتشار جلسه انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای در مجلس خبرگان و موقتی بودن رهبری او، از جمله نمونه‌هایی است که با حاشیه‌های بسیاری و گاهی قربانیانی روبه‌رو بود.

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که جمهوری اسلامی ایران حکومتی بحران‌زاست هم برای خود و هم برای دیگران. به خصوص مواضع و اعاهای این حکومت آن‌قدر مضحک و دروغ و بی‌معنی است که اکنون حتی مردم عوام نیز به گفته‌های سران و مقامات حکومت اسلامی باور ندارند.

به علاوه همه چیز در جمهوری اسلامی امنیتی شده و همه هبه همدیگر شک و تردید دارند. از سیو به نظر می‌رسد نیروهای امنیتی - اطلاعاتی اسرائیل در عمق استراتژیک جمهوری اسلامی و در همه جا رخنه کرده‌اند. یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۰؛ دومین انفجار در تاسیسات غنی‌سازی نطنز موجب قطع برق و خسارت به سانتریفیوژها شد. مقامات تهران در واکنش به این انفجار اعلام کردند غنی‌سازی ۶۰ درصدی را آغاز می‌کنند.

در پایان نتیجه آن‌که اختلاف ظریف و سلیمانی بر سر مشی پیش‌برد سیاست‌های «ضداستکباری» جمهوری اسلامی را نمی‌توان به اختلاف اصلاح طلب‌ها و اصول‌گراها ارتقا داد. چرا که جواد ظریف تنها در روش «مبارزه با استکبار» با پاسداران اختلاف سلیقه دارد و مخالف اعمای و سیاست‌های آن‌ها نیست. چنان‌که در «آقای سفیر» نیز گفته است: «صدور انقلاب به معنای توپ و تانگ و تفنگ نیست، بلکه به معنی صدور ارزش‌هاست. اگر توجه کنید، رهبری نیز بارها همین دیدگاه را مطرح کرده‌اند.» اما این اختلاف‌ها سلیقه‌ای و تاکتیکی و موضعی است و در استراتژی اختلافی ندارند. در راهبرد کلان، جمیع سران و مقامات و نهادهای سیاسی و نظامی و دیپلماسی، «صریح و صادق» با هم هم‌نظر و هم‌جهت هستند.

ظریف در این مصاحبه بیش از سه‌ساعته از نقش سپاه در تعیین سیاست داخلی و خارجی ایران می‌گوید. از منافع پنهان و آشکار آن‌ها در بحران‌های سیاسی و بین‌المللی ایران پرده برمی‌دارد و از همه مهم‌تر بر این نکته تاکید می‌کند که سپاه پس از برجام، بازیگر نیابتی روسیه برای تخریب این توافق بین‌المللی بوده است.

در فایل صوتی افشا شده محمدجواد ظریف، نکته‌ای دارد که همه می‌دانستند ولی آن‌ها تا به حال از زبان یک مقام عالی جمهوری اسلامی بیان نشده بود. همه می‌دانند که سپاه بر جان و مال و زندگی مردم ایران حاکمیت مطلق دارد و سپاه قدس شاخه برورن مرزی سپاه پاسداران و فرمانده به گور رفته سابق آن «قاسم سلیمانی» جز سازمان‌دهی جنگ‌های نیابتی و ترور مخالفین و قاچاق اسلحه و مواد مخدر و پول‌شویی کار دیگری ندارند.

انتقاد ظریف به «میدان» و فرمانده آن قاسم سلیمانی اخلاقی و گلایه‌ای و اساساً از نظر خودش از سر دلسوزی به حاکمیت است بنابراین این سخنان ظریف برای بخش آگاه جامعه هیچ باری و چیز تازه‌ای ندارد که مردم ندانند. به علاوه بخش آگاه جامعه به خوبی می‌داند که همه سرداران سپاه مانند همه سیاستمداران حکومت آلوده به فساد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هستند. قاسم سلیمانی سردهسته ترور مخالفین و سازمان‌ده جنگ‌های موسوم به «جنگ‌های نیابتی» و آموزش و تسلیح گروه‌های تروریستی اسلامی در منطقه و قاچاق سلاح و مواد مخدر و پول‌شویی بود. همه فرماندهان سپاه دزد و تبهکار و دروغ‌گو و آدمکش هستند. ظریف در این موارد جمله‌ای نگفته است. ظریف خودش فرماندهی تروریست - دیپلمات‌ها را به عهده دارد و او بی‌شرمانه بارها در مقابل دوربین‌های بین‌المللی ایستاده و و قیحانه ادعا کرده است که در ایران هر کس آزاد است و سرکوب و سانسور واقعیت ندارد. همنی چند ماه پیش بود که دادگاهی در بلژیک اسدالله اسدی دیپلمات زیر نظر ظریف را به دلیل فعالیت‌های تروریستی به ۲۰ سال زندان محکوم کرد.

در هر صورت و به هر دلیلی این نوار منتشر شده اما انتشار آن، جنجال بزرگی در عرصه سیاست داخلی جمهوری اسلامی آفرید و بر تنش گرایش‌ها و رقابت‌های درون حکومت آن‌هم در مقطع نمایش انتخابات ریاست جمهوری، افزود. و نتیجه کلی آن تشدید بی‌اعتباری جمهوری اسلامی در افکار عمومی جامعه ایران و همچنین تا حدودی در سطح بین‌المللی است.

اما تا آن‌جا که به مردم مربوط می‌شود، چنین نواری ارزشی ندارد چرا که هنوز کسی زیر بار گرانی، تورم، مال‌باختگی و انواع آسیب‌ها اجتماعی کمر راست نکرده و قطعاً اهمیتی به نمایش انتخابات پیش روز ریاست جمهوری نمی‌دهند. اکنون بر خلاف انتخابات‌های قبلی است که عمدتاً اپوزیسیون خارج کشور فراخوان تحریم آن‌ها را می‌داد. اما اکنون هفته‌هاست که بازنشستگان، کارگران، کشاورزان اصفهان، مال‌باختگان و... در خیابان‌ها فریاد می‌زنند: «از بس دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم.»

همزمان با اول ماه مه، روز جهانی کارگر، جمع‌هایی از کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر مزدبگیران در شهرهای مختلف ایران تجمعاتی اعتراضی برگزار کردند و از جمله خواهان افزایش دستمزد خود متناسب با تورم شدند. یکی از شعارهای معترضان در برخی از این تجمع‌ها، کارگران شعار می‌دادند: «از بس دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم.» همچنین معترضان از جمله شعار دادند: «دروغ بر کارگر، مرگ بر ستمگر» و «درد ما درد شما است، مردم به ما ملحق شوید.»

دوشنبه سیزدهم اردیبهشت [ثور] ۱۴۰۰ - سوم مه ۲۰۲۱